

شناسایی روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی فارسی شاهنامه و نهج البلاغه و فیلهای مورد نیاز برای نمایش آنها^۱

دکتر مرتضی کوبی^۲
رقبه (رضیه) حجازی^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، شناسایی روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی فارسی و فیلهای مورد نیاز برای نمایش آنهاست تا از این طریق بتوان به فیلهای پرکاربرد در نمایش انواع روابط کتابشناختی دست یافت.

روش: روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و از طریق سیاهه‌های واری محقق ساخته بود.

یافته‌ها: داده‌های حاصل از بررسیها نشان داد درصد بالایی از انواع روابط کتابشناختی در خانواده‌های کتابشناختی وجود دارد. همچنین، ۴۲/۸۵٪ از فیلهای رابطه‌ای در نمایش روابط کتابشناختی موجود در پیشینه‌های کتابشناختی کاربرد دارند.

نتیجه‌گیری: آنچه از یافته‌های پژوهش به دست می‌آید، کاربرد فیلهای رابطه‌ای خاص برای نمایش انواع روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی فارسی است.

کلیدواژه‌ها: روابط کتابشناختی، خانواده‌های کتابشناختی، فیلهای رابطه‌ای، فرمت یونی‌مارک.

مقدمه

روابط کتابشناختی یکی از ملزومات سازماندهی منابع اطلاعاتی است و پیشینه‌ای بلند در دنیای سازماندهی اطلاعات دارد. روابط کتابشناختی به ارتباط و وابستگی بین دو یا بیش از دو مقوله کتابشناختی اشاره دارد. برای مثال، ویرایش دوم از یک کتاب، به

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی.

۲. استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران: kokabi80@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی: r.hejazi86@yahoo.com

ویرایش اول آن وابسته است.

«تیلت»^۱ در سال ۱۹۸۷ در پژوهشی درباره روابط کتابشناختی و طرز عمل آنها در قواعد فهرست‌نویسی، طبقه‌بندی روابط کتابشناختی را با هفت گروه اصلی پیشنهاد داد: هم‌ارز، اشتقاقی، توصیفی، کل - جز، همراهی، توالی، و ویژگیهای مشترک (ریوا^۲، ۲۰۰۴). از هفت گروه «تیلت»، رابطه اشتقاقی، به طور خاص، دامنه وسیعی دارد. این دامنه وسیع به «اسمیراگلیا»^۳ این امکان را داد تا یک بخش فرعی درون هفت زیرگروه، به‌عنوان توسعه‌ای برای طبقه‌بندی تیلت پیشنهاد کند.

همچنین، در سال ۱۹۹۸، ایفلا «ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی (اف.آر.بی.آر.): گزارش پایانی» را منتشر کرد که در آن اف.آر.بی.آر. به‌عنوان یک الگوی مفهومی جدید برای ترسیم جهان کتابشناختی و رابطه میان آثار معرفی شده بود (گروه مطالعاتی ایفلا، ۱۹۹۸ در جانگ، ۱۳۹۰، ص. ۱۵). یکی از هدفهای این الگو، برقراری پیوند بین دو یا چند موجودیت است و موجودیتها را در گروه‌هایی بر اساس ویژگیها و روابط خاص آنها طبقه‌بندی می‌کند.

از سوی دیگر، مطالعات نظام‌مند و روش‌مند بر روی روابط کتابشناختی در دهه ۷۰ با ایجاد فرمت مارک جهانی (یونی‌مارک) به منظور برقراری ارتباط میان پیشینه‌های کتابشناختی آغاز شد. برخی از فیلدها در فرمت یونی‌مارک نشان‌دهنده روابط کتابشناختی می‌باشند که از آنها با عنوان فیلدهای رابطه‌ای یاد می‌شود. فیلد رابطه‌ای، فیلدهای است که نشان‌دهنده اطلاعات مدرک دیگر است. همچنین، این فیلد ممکن است دارای اطلاعاتی درباره پیشینه‌ای باشد که مدرک مورد نظر را توصیف می‌کند (فدراسیون بین‌المللی انجمنها و مؤسسات کتابداری^۴، ۲۰۰۸، ص. ۱۴).

1. Tillet.

2. Riva.

3. Smiraglia.

4. International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA).

بیان مسئله

از ملزومات گردهم‌آوری آثار مرتبط در نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات، ایجاد رابطه میان پیشینه‌های موجود است. با نشان دادن روابط کتابشناختی در پیشینه‌های کتابشناختی، ساختارهایی در بین مدارک مرتبط با هم ایجاد می‌شود که سبب بازیابی سریع‌تر و سودمندتر آثار و شناخت بهتر نوع ارتباط آثار وابسته به یکدیگر می‌شود. روابط نشان داده شده میان پیشینه‌های کتابشناختی، اطلاعات بیشتری ارائه می‌کنند که به کاربر در ایجاد رابطه بین موجودیت یافت شده و دیگر موجودیتهای مشابه، کمک می‌کند. طبقه‌بندیهای تیلت، اسمیراگلیا، و اف.آر.بی.آر. از جمله طبقه‌بندیها برای انواع روابط کتابشناختی است. از سوی دیگر، شناسایی انواع روابط کتابشناختی تنها شرط لازم برای نمایش آنها در میان پیشینه‌های کتابشناختی نیست، بلکه برای این کار به ابزاری نیاز است تا بتوان از طریق آن روابط کتابشناختی شناسایی شده را به مرحله نمایش رساند. فرمت یونی‌مارک می‌تواند ابزاری برای نمایش روابط کتابشناختی در نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات باشد.

آثار ادبی و مذهبی به دلیل قدمت و تأثیر اجتماعی خود، دارای خانواده‌های کتابشناختی وسیعی هستند و روابط میان آنها بسیار گسترده است. علاوه بر این، با توجه به خصوصیت این آثار، به نظر می‌رسد فراوانی برخی از روابط در میان خانواده‌های کتابشناختی بیشتر است. به عنوان مثال، فراوانی رابطه اشتقاقی و مشتقات آن در میان خانواده‌های کتابشناختی بالاست، زیرا این رابطه میان یک ماده کتابشناختی و تغییری که بر پایه همین ماده است، برقرار است. بنابراین، فراوانی این رابطه در بررسی خانواده‌های کتابشناختی بالاست.

با توجه به تعدد آثار ادبی و دینی در میان پیشینه‌های کتابشناختی فارسی و ایجاد خانواده‌های کتابشناختی وسیع، توجه به روابط کتابشناختی موجود در میان آنها و شناسایی فیلدهای مورد نیاز برای نمایش این روابط، ضروری می‌نماید، زیرا شناسایی نوع روابط کتابشناختی و فیلدهای مورد نیاز آنها در میان خانواده‌های کتابشناختی

می‌تواند در نمایش روابط میان آنها و گردهم‌آوری خانواده‌های کتابشناختی در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، مؤثر باشد. بنابراین، شناسایی روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی فارسی و فیله‌های مورد نیاز برای نمایش آنها هدف پژوهش حاضر است.

پرسشهای پژوهش

بر اساس مسئله پژوهش حاضر، پرسشهای مطرح در این پژوهش عبارتند از:

۱. انواع و فراوانی روابط کتابشناختی در خانواده‌های شاهنامه و نهج‌البلاغه در پیشینه‌های کتابشناختی کتابخانه ملی ایران چیست؟
۲. هر یک از فیله‌های رابطه‌ای برای نمایش کدام یک از روابط کتابشناختی مناسب هستند؟
۳. برای نمایش روابط کتابشناختی موجود در پیشینه‌های کتابشناختی کتابخانه ملی ایران، به کدام یک از فیله‌های رابطه‌ای نیاز است؟

پیشینه پژوهش

مطالعه بر روی روابط کتابشناختی مورد توجه پژوهشگران زیادی، چه در خارج و چه در داخل ایران، بوده است. در ادامه، برخی از پژوهشهای انجام شده در این زمینه مرور می‌شود.

«تیلت» در سال ۱۹۸۷، در بخش اول پژوهش خود از طریق تحلیل قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن^۱، طبقه‌بندی از هفت رابطه کتابشناختی پیشنهاد داد. بخش دوم از کار تیلت شامل مطالعه‌ای تجربی برای آزمون وسعت روابط کتابشناختی در بسامد رخدادهای پیشینه‌های مارکی بود که در پایگاه ماشین‌خوان کتابخانه کنگره بین سال ۱۹۶۸ و جولای ۱۹۸۶ وارد شده است. یکی از یافته‌های این بخش از مطالعه نشان داد روابط کتابشناختی در تمام جهان کتابشناختی گسترده شده است، زیرا تیلت ۷۵٪ از

1. Anglo-American Cataloging Rules.

پیشینه‌ها را در پایگاه داده‌ها یافت که شامل برخی از انواع اطلاعات رابطه‌ای بود (نقل در ولوچی^۱، ۱۹۹۷).

«پیتک»^۲ (۲۰۰۷) روابط کتابشناختی اشتقاقی در فهرست پیوسته کوئیب^۳ به منظور تشخیص میزان و پیچیدگی خانواده‌های کتابشناختی بررسی کرد. وی درصدد پاسخ به این پرسش بود که آیا ساختارهای کتابشناختی با گستره روابط اشتقاقی رابطه‌ای دارند یا نه. این پژوهش به صورت پیمایشی انجام شد. در این پژوهش، میزان هر کدام از روابط اشتقاقی در جامعه مورد مطالعه تعیین شد. پژوهشگر از یافته‌های خود به این نتیجه رسید که بیشتر خانواده‌ها یک نوع از روابط را دارا می‌باشند. او همچنین دریافت درصدد بالایی از روابط اشتقاقی به طور روشن در فهرست بیان نشده‌اند. وی معتقد است مشخص کردن روابط اشتقاقی، سبب استفاده مؤثرتر از مواد دانش و کتابخانه خواهد شد.

«ارسطوپور و فتاحی»^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی، انواع موجودیتها و روابط موجود در پیشینه‌های کتابشناختی فارسی را طبقه‌بندی کردند. برای انجام این پژوهش، نمونه‌هایی از دو اثر شاهنامه و قرآن، به دلیل خانواده کتابشناختی وسیع آنها، انتخاب و بررسی شد. آنها به این نتیجه رسیدند که رابطه اشتقاقی و توصیفی از طبقه‌بندی تیلت و رابطه اثر با اثر از الگوی اف.آر.بی.آر. روابطی هستند که در میان پیشینه‌های مربوط به آثار دارای خانواده‌های کتابشناختی وجود دارند. نتیجه نهایی این پژوهش آن بود که شناسایی و هنجارسازی عنوانهای مختلف، که برای آثار مرتبط به کار رفته‌اند، به بازسازی عنوانهای قراردادی برای رسیدن به مجموعه‌هایی کارا تر و نمایش آثار مرتبط کمک خواهد کرد. در پایان، آنها به این نکته اشاره می‌کنند که روابط موجود در پیشینه‌های کتابشناختی در بخشهای مختلف آن پراکنده‌اند و به ابزاری نیاز است که آنها را هنجارسازی کند؛ فیلدی که در گردآوری توانا باشد. به نظر نگارندگان، استفاده از فیلد عنوان قراردادی می‌تواند آثار مرتبط با یکدیگر را به هم پیوند دهد. آنان همچنین بازسازی برخی از

1. Villucci.

2. Petek.

3. CoOperative Bibliographic Systems and Services (COBIB).

4. Arastoopoor & Fattahi.

فیلدهای مارک را برای کارایی هرچه بهتر فهرستهای ذخیره و بازیابی، پیشنهاد می‌دهند. «زارعزاده» (۱۳۸۱) روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی کتابشناسی ملی جمهوری اسلامی ایران را در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۱ بررسی نمود. طبق یافته‌های وی، ۳۱/۱۱٪ رابطه هم‌ارز، ۳۲/۲۵٪ رابطه اشتقاقی، ۲۹/۷۹٪ رابطه کل و جزء، ۳/۸۷٪ رابطه توصیفی، ۰/۹۶ درصد رابطه همراهی، و ۰/۹۴ درصد رابطه توالی در پیشینه‌های مورد بررسی وجود داشت. در این پژوهش، به‌کارگیری نتایج به‌دست آمده در مارک ایران پیشنهاد می‌شود.

«محمدی» (۱۳۹۰) روابط کتابشناختی کتابهای منتشره فارسی حوزه علوم پزشکی در فاصله سالهای ۱۳۸۹-۱۳۸۵ را بر اساس الگوی اف.آر.بی.آر. بررسی و تحلیل کرد. در این پژوهش، تمام پیشینه‌های کتابشناختی مربوط به حوزه علوم پزشکی که در فهرست عمومی کتابخانه ملی موجود بودند، بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد از مجموع کل کتابهای حوزه علوم پزشکی، تنها ۱۰/۳۱٪ دارای روابط کتابشناختی اثر با اثر هستند. پژوهشگر نتیجه می‌گیرد با توجه به تأکید فراوان کاربرد اف.آر.بی.آر. در سازماندهی دانش، به دلیل تفاوت ماهوی علوم پزشکی با سایر علوم، بویژه علوم انسانی، میزان روابط کتابشناختی اثر به اثر، به عنوان پایه‌های اف.آر.بی.آر. در آن بسیار کم است.

بررسی پیشینه‌ها نشان از گستره روابط کتابشناختی در میان پیشینه‌های کتابشناختی دارد. برخی پژوهشها تأکید خاصی بر روی خانواده‌های کتابشناختی و نوع خاصی از آثار داشتند، برخی دیگر نیز بر روی فراوانی بالای برخی از روابط تأکید داشتند. پژوهشگران با این بررسی به این نتیجه رسیدند که فراوانی روابط کتابشناختی در میان آثار متفاوت، می‌تواند متغیر باشد. بنابراین، در خانواده‌های کتابشناختی وسیع، انواع خاصی از روابط در پیشینه‌های کتابشناختی حایز اهمیت است. بنابراین، فیلدهای رابطه‌ای نیز می‌توانند بر اساس رابطه‌ای که نشان می‌دهند، دارای اهمیت باشند. با توجه به اینکه پژوهشی بر روی میزان اهمیت فیلدهای رابطه‌ای بر اساس نوع رابطه کتابشناختی انجام پذیرفته بود، تصمیم گرفته شد روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی و فیلدهای مورد نیاز آنها بررسی شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع مطالعه موردی و از طریق سیاهه‌های واریسی محقق ساخته بود. سیاهه واریسی بر اساس سه بخش موجود در پیشینه‌های کتابشناختی، یعنی بخش توصیفی، بخش شناسه‌های افزوده موضوعی و غیرموضوعی، تهیه شد.

با توجه به آنچه درباره خانواده‌های کتابشناختی گفته شد، برای تعیین جامعه مناسب این پژوهش باید از پیشینه‌های کتابشناختی آثار مذهبی و ادبی استفاده می‌شد. بنابراین، جامعه پژوهش شامل پیشینه‌های کتابشناختی دو اثر شاهنامه و نهج البلاغه (به دلیل فراوانی بالای پیشینه‌های کتابشناختی مربوط به آنها) بود که با استفاده از روش تصادفی منظم، در میان پیشینه‌ها نمونه‌گیری صورت گرفت که از ۶۷۲۹ پیشینه، ۱۷۷ پیشینه برای شاهنامه و ۱۹۰ پیشینه برای نهج البلاغه انتخاب گردید.

روش انجام پژوهش به این صورت بود که در مرحله اول، به تحلیل پیشینه‌های مورد مطالعه و فیلدهای رابطه‌ای بر اساس طبقه‌بندیهای تیلت، اسمیراگلیا، و اف.آر.بی.آر. برای شناسایی انواع روابط کتابشناختی، سپس با استفاده از سیاهه واریسی به بررسی پیشینه‌های تحلیل شده پرداخته شد تا از این طریق به انواع و فراوانی روابط کتابشناختی و فیلدهای مورد نیاز، دست یابیم.

گفتنی است، به منظور اطمینان از تشخیص رابطه، مطالعات «تیلت» (۱۹۹۱)، «فتاحی» (۱۳۷۵) و دستنامه اف.آر.بی.آر. (گروه مطالعاتی ایفلا برای ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی^۱، ۲۰۰۹) برای شناسایی ماهیت انواع روابط کتابشناختی؛ دستنامه یونی‌مارک (فدراسیون بین‌المللی انجمنها و مؤسسات کتابداری، ۲۰۰۸) برای شناسایی ماهیت فیلدهای رابطه‌ای و دامنه شمول آنها؛ و مطالعه «ریوا» (۲۰۰۴) که به انطباق فیلدهای شناسه رابط مارک ۲۱ با طبقه‌بندیهای تیلت، اسمیراگلیا، و اف.آر.بی.آر. پرداخته و دستنامه اف.آر.بی.آر. (گروه مطالعاتی ایفلا برای ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، ۲۰۰۹)، برای انطباق فیلدهای رابطه‌ای با انواع روابط

1. IFLA Study Group on the Functional Requirements for Bibliographic Records.

کتابشناختی مرجع در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش تمام فیلدهای بلوکهای 4-- و 5-- (به دلیل ماهیت رابطه‌ای آنها در فرمت یونی‌مارک) و ۱۰ فیلد از ۳۴ فیلد بلوک 3-- (با توجه به بررسیهای صورت گرفته بر روی ماهیت هر یک از فیلدها) به عنوان فیلدهای رابطه‌ای در نظر گرفته شد.

علاوه بر این، فراوانی برخی از انواع روابط کتابشناختی با فراوانی نمونه مورد بررسی متفاوت بود که این به دلیل وجود چند نوع رابطه در یک پیشینه کتابشناختی بود.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پرسش نخست پژوهش: انواع و فراوانی روابط کتابشناختی در خانواده‌های شاهنامه و نهج‌البلاغه در پیشینه‌های کتابشناختی کتابخانه ملی ایران چیست؟
جدول ۱، فراوانی انواع روابط کتابشناختی در پیشینه‌های کتابشناختی نهج‌البلاغه و شاهنامه را نشان می‌دهد. گفتنی است، برای شناسایی اصطلاحات مربوط به هر یک از روابط، از پژوهش «زارع‌زاده» (۱۳۸۱) و بخش پنجم از دستنامه اف.آر.بی.آر. (گروه مطالعاتی ایفلا برای ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی^۱، ۲۰۰۹) استفاده شد.

جدول ۱. فراوانی انواع روابط کتابشناختی در پیشینه‌های کتابشناختی مورد مطالعه

آثار		شاهنامه		نهج‌البلاغه		جمع
انواع روابط		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
طبقه‌بندی تیلت	هم ارز	۲۲	۵/۱	۲۲	۶/۳	۴۴
	اشتقاقی	۱۱۲	۲۶/۱	۹۳	۲۶/۶	۲۰۵
	توصیفی	۱۲۹	۳۰/۱	۹۷	۲۷/۸	۲۲۶
	کل - جزء	۷۹	۱۸/۴	۸۴	۲۴/۱	۱۶۳
	همراهی	۷۱	۱۶/۶	۴۴	۱۲/۶	۱۱۵

1. IFLA Study Group on the Functional Requirements for Bibliographic Records.

جمع		شاهنامه		نهج البلاغه		آثار	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	انواع روابط	
۰/۳	۲	۰	۰	۰/۵	۲	توالی	
۳	۲۳	۲/۶	۹	۳/۳	۱۴	ویژگی مشترک	
۱۰۰	۷۷۸	۱۰۰	۳۴۹	۱۰۰	۴۲۹	جمع	
۲	۹	۰	۰	۷/۸	۹	اشتیاق همزمان	
۱	۴	۲/۱	۲	۱/۷	۲	اشتیاق متوالی	
۱۴	۵۴	۱۳/۸	۱۳	۳۵/۳	۴۱	ترجمه	
۳	۱۱	۲/۱	۲	۷/۸	۹	شرح و بسط	
۲۵	۹۴	۴۶/۸	۴۴	۴۳/۱	۵۰	استخراج	
۸	۳۱	۲۸/۷	۲۷	۳/۴	۴	اقتباس	
۲	۷	۶/۴	۶	۰/۹	۱	اجرا	
۱۰۰	۲۱۰	۱۰۰	۹۴	۱۰۰	۱۱۶	جمع	
۴۷	۳۷۸	۴۷/۷	۱۷۴	۴۶/۹	۲۰۴	اثر با اثر	
۴	۳۳	۵/۲	۱۹	۳/۲	۱۴	اثر با برداشت	
۵	۴۲	۵/۲	۱۹	۵/۳	۲۳	اثر یا قالب	
۱	۱۰	۱/۱	۴	۱/۴	۶	اثر با مدرک	
۶	۴۷	۳/۳	۱۲	۸	۳۵	برداشت با اثر	
۱	۴	۰/۵	۲	۰/۵	۲	برداشت با برداشت	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	برداشت با قالب	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	برداشت با مدرک	
۱	۱۱	۲/۷	۱۰	۰/۲	۱	قالب با قالب	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	قالب با مدرک	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	مدرک با مدرک	

طبقه بندی اسمیرا گلیا

طبقه بندی اف. آر. بی. آر.

جمع		شاهنامه		نهج البلاغه		آثار	انواع روابط
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۳	۱۸۳	۲۶/۳	۹۶	۲۰	۸۷	کل - جزء در سطح اثر	
۱۱	۸۹	۷/۱	۲۶	۱۴/۵	۶۳	کل - جزء در سطح برداشت	
۰	۳	۰/۸	۳	۰	۰	کل - جزء در سطح قالب	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	کل - جزء در سطح مدرک	
۱۰۰	۸۰۰	۱۰۰	۳۶۵	۱۰۰	۴۳۵	جمع	

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد در پیشینه‌های کتابشناختی نهج‌البلاغه، رابطه توصیفی از طبقه‌بندی تیلت دارای بیشترین فراوانی (۳۰/۱٪) است. دلیل فراوانی این رابطه، به ماهیت اثر باز می‌گردد. نهج‌البلاغه به عنوان یک منبع دینی با زبان عربی، توصیف‌های زیادی را می‌طلبد. در طبقه‌بندی اسمیراگلیا، رابطه استخراج (۴۳/۱٪) و ترجمه (۳۵/۳٪) به نسبت دیگر رابطه‌ها بالاست. این فراوانی بالا به علت چاپ خطبه‌های نهج‌البلاغه به‌طور مجزا و ترجمه متن عربی به فارسی است. همچنین، در طبقه‌بندی اف.آر.بی.آر. رابطه اثر با اثر دارای بیشترین فراوانی (۴۶/۹٪) است. این رابطه شامل توصیفها، اقتباسها، گزیده‌ها، کشف‌اللغات و مواردی از این قبیل برای اثر نهج‌البلاغه است.

بررسی پیشینه‌های کتابشناختی شاهنامه نشان داد در طبقه‌بندی تیلت، رابطه‌های توصیفی (۲۷/۸٪)، اشتقاقی (۲۶/۶٪)، و کل - جزء (۲۴/۱٪) فراوانی بالاتری (بالا تر از ۲۰٪) نسبت به دیگر رابطه‌ها دارند. فراوانی رابطه توصیفی به دلیل پژوهشها و تحلیلهای متعدد بر روی اثر شاهنامه است که رابطه‌ای توصیفی با اصل اثر دارد. فراوانی بالای رابطه اشتقاقی نیز که بیشترین فراوانی آن مربوط به رابطه استخراج از طبقه‌بندی

اسمیرا گلیاست، به دلیل چاپهای مجزا از داستانهای شاهنامه است. فراوانی رابطه کل - جزء، به مقاله‌ها وابسته است. به دلیل اینکه هر یک از مقاله‌ها جزئی از یک مجله هستند، فراوانی رابطه کل - جزء بالا رفته است. رابطه اثر با اثر با فراوانی ۴۷/۷٪ نیز بالاترین فراوانی را در طبقه‌بندی اف.آر.بی.آر. دارد. چنان‌که پیش‌تر بیان شد، این رابطه شامل توصیفها، اقتباسها، گزیده‌ها، کشف‌اللغات و مواردی از این قبیل برای شاهنامه است. به طور کلی، داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد روابط کتابشناختی مرتبط با خانواده‌های کتابشناختی، فراوانی بالاتری دارد.

چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر رابطه‌های مرتبط با موجودیت مدرک، برابر صفر است. این قضیه به دلیل نبود بررسی موجودی مربوط به هر پیشینه بوده است، زیرا با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی پیشینه‌های کتابشناختی بود، بخش موجودی بررسی نشده است.

پرسش دوم پژوهش: هر یک از فیلهای رابطه‌ای برای نمایش کدام یک از روابط کتابشناختی مناسبند؟

داده‌های موجود در جدول ۲، نشان‌دهنده فراوانی انواع روابط در فیلهای رابطه‌ای یونی‌مارک است.

جدول ۲. فراوانی انواع روابط در فیلهای رابطه‌ای یونی‌مارک

فراوانی فیلهای رابطه‌ای				بلوک 5--	بلوک 4--	بلوک 3--	فیلهای انواع روابط	
۱	۲	۳	۴				هم‌ارز	اشتقاقی
۹	۳	۳	۳	500, 501, 503	452, 455, 456	311, 324, 325	هم‌ارز	طبقه‌بندی یونی‌مارک
۱۰	۳	۶	۱	500, 501, 503	412, 413, 451, 452, 453, 454	311	اشتقاقی	
۵	۳	۱	۱	500, 501, 503	470	311	توصیفی	
۱۴	۴	۷	۳	500, 501, 503, 514	410, 411, 422, 461, 462, 463, 464	308, 316, 327	کل - جزء	
۴	-	۲	۲	-	421, 423	311, 320	همراهی	

فراوانی فیلهای رابطه‌ای				بلوک 5--	بلوک 4--	بلوک 3--	فیلهای	
جمع	بلوک 5--	بلوک 4--	بلوک 3--				انواع روابط	
				۲۴	۳	۱۹	۲	500, 501, 503
۵	-	۳	۲	-	481, 482, 488	311, 316	ویژگیهای مشترک	
۵	۳	۱	۱	500, 501, 503	451	311	اشتقاق همزمان	طبقه‌بندی اسمیراگلیا
۵	۳	۱	۱	500, 501, 503	451	311	اشتقاق متوالی	
۶	۳	۲	۱	500, 501, 503	453, 454	311	ترجمه‌ها	
۴	۳	۱	۱	500, 501, 503	488	311	شرح و بسط‌ها	
۶	۳	۲	۱	500, 501, 503	412, 413	311	استخراجیها	
۴	۳	۱	۱	500, 501, 503	488	311	اقتباسها	
۵	۳	۱	۱	500, 501, 503	452	311	اجراها	
۳۰	۴	۲۳	۳	500, 501, 503, 520	412, 413, 421, 424, 425, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 470	304, 305, 311	اثر با اثر	
۷	۳	۳	۱	500, 501, 503	451, 453, 470	311	اثر با برداشت	طبقه‌بندی اف.آر.بی.آر.
۷	۳	۳	۱	500, 501, 503	452, 455, 456	311	اثر با قالب	
۶	۳	۱	۲	500, 501, 503	488	311, 316	اثر با مدرک	
۳	-	۲	۱	-	454, 470	311	برداشت با اثر	
۳	-	۱	۲	-	451	311	برداشت با برداشت	
۳	-	۱	۲	-	452	311	برداشت با قالب	

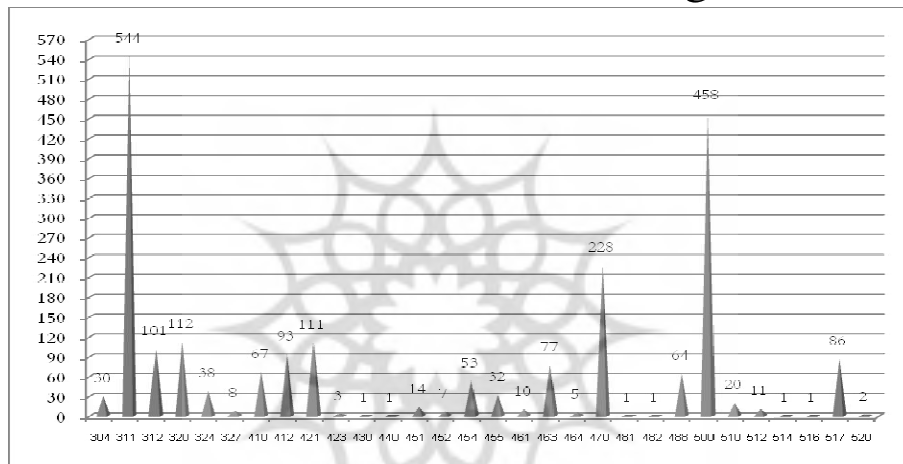
فراوانی فیلهای رابطه‌ای				بلوک 5--	بلوک 4--	بلوک 3--	فیلهای انواع روابط
شماره	نوع 5--	نوع 4--	نوع 3--				
۲	-	۱	۱	-	488	316	برداشت با مدرک
۶	-	۳	۳	-	452, 455, 456	311, 324, 325	قالب با قالب
۶	-	۳	۳	-	452, 455, 456	311, 324, 325	قالب با مدرک
۳	-	۱	۲	-	488	324, 325	مدرک با مدرک
۲۰	۵	۱۰	۵	500, 501, 503, 514, 545	410, 411, 422, 423, 461, 462, 463, 464, 481, 482	308, 311, 316, 327, 320	کل - جزء در سطح اثر
۹	۳	۴	۲	500, 501, 503	421, 423, 481, 482	311, 320	کل - جزء در سطح برداشت
۶	۳	۱	۲	500, 501, 503	423	311, 320	کل - جزء در سطح قالب
۶	۳	۱	۲	500, 501, 503	423	311, 320	کل - جزء در سطح مدرک

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد برای نمایش انواع روابط کتابشناختی، حداقل یک فیله رابطه‌ای در فرمت یونی‌مارک وجود دارد. همچنین، با توجه به داده‌های موجود در جدول ۲ در طبقه‌بندی تیلت، رابطه توالی؛ در طبقه‌بندی اسمیراگلیا، رابطه ترجمه‌ها؛ و همچنین در طبقه‌بندی اف.آر.بی.آر.، رابطه اثر با اثر، بیشترین فراوانی را دارد. گفتنی است، رابطه توالی در طبقه‌بندی تیلت و رابطه اثر با اثر در طبقه‌بندی اف.آر.بی.آر. متناظر هستند. این دو رابطه، متناظر با رابطه زمانی در فرمت یونی‌مارک است.

پرسش سوم پژوهش: برای نمایش روابط کتابشناختی موجود در پیشینه‌های

کتابشناختی کتابخانه ملی ایران، به کدام یک از فیلدهای رابطه‌ای نیاز است؟

برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش، پژوهشگران با استفاده از سیاهه فیلدهای رابطه‌ای بلوکهای 3--، 4-- و 5--، نوع رابطه مشخص شده در پاسخ به پرسش نخست برای هر یک از پیشینه‌ها (جدول ۱) و داده‌های موجود در جدول ۲، فیلدهای مورد نیاز را بررسی کردند. نتایج این بررسی به طور خلاصه در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. فیلدهای مورد نیاز، برای نمایش روابط کتابشناختی پیشینه‌های کتابشناختی مورد بررسی

نمودار ۱، نشان‌دهنده فراوانی فیلدهای مورد نیاز برای نمایش روابط شناسایی شده در پیشینه‌های کتابشناختی مورد مطالعه است. این نمودار فیلدهایی را که فراوانی آنها برابر صفر بوده است، شامل نمی‌شود. داده‌های موجود در نمودار ۱ نشان می‌دهد فراوانی فیلدهای مورد نیاز برای نمایش روابط کتابشناختی شناسایی شده، متفاوت است. همچنین، برای نمایش روابط موجود در جامعه مورد مطالعه، از ۱۰ فیلد رابطه‌ای بلوک 3--، ۶ فیلد (۶۰٪)، از ۴۰ فیلد رابطه‌ای بلوک 4--، ۱۷ فیلد (۴۲/۵٪)، و از ۲۰ فیلد رابطه‌ای بلوک 5--، ۷ فیلد (۳۵٪) برای نمایش روابط کتابشناختی شناسایی شده، مورد نیاز است. به طور کلی، برای نمایش روابط کتابشناختی در پیشینه‌های کتابشناختی، از ۷۰ فیلد رابطه‌ای، ۳۰ عدد از آنها (۴۲/۸۵٪) برای نمایش روابط کتابشناختی شناسایی

شده، مورد نیاز است.

بحث و نتیجه‌گیری

تنوع در روابط کتابشناختی موجود، لزوم طبقه‌بندی آنها را پررنگ‌تر، و به‌طور متقابل، طبقه‌بندی روابط کتابشناختی، شناسایی آنها را در میان انبوهی از منابع اطلاعاتی آسان‌تر می‌سازد. با این حال، گستردگی و پیچیدگی روابط میان آثار، شناسایی و طبقه‌بندی آنها را مشکل می‌سازد. باید توجه داشت، شناسایی تمام رابطه‌های مربوط به یک اثر، با استفاده از پیشینه‌های کتابشناختی کنونی، غیرممکن است، زیرا این پیشینه‌ها با رویکرد فهرست‌نویسی سنتی تهیه شده و بیشتر به نمایش اطلاعات کتابشناختی اثر در دست فهرست‌نویسی توجه داشته است تا برقراری ارتباط با آثار مرتبط دیگر. حتی می‌توان فهرست‌برگه‌های دستی را توانا‌تر از نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات کنونی در نمایش رابطه‌های موجود میان آثار دانست. در فهرست‌برگه‌ها، استفاده از ارجاع «نیز نگاه کنید» و تهیه فهرست‌برگه مادر تا حدودی نشان‌دهنده رابطه‌ها بودند، در حالی‌که فهرستهای رایانه‌ای کنونی بیشتر شبیه به سیاهه بازیابی هستند تا نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات. افزون بر این، نبود برخی از روابط کتابشناختی در میان پیشینه‌های فارسی (با توجه به یافته‌های پژوهش) دلیل بر نبود این روابط در میان آثار فارسی نیست. با توجه به اینکه این پژوهش بر اساس پیشینه‌های تهیه شده در کتابخانه ملی ایران انجام گرفته، روابط شناسایی شده تنها محدود به آنهایی است که در پیشینه مورد مطالعه درج شده است. بنابراین، نمی‌توان گفت تنها روابط شناسایی شده برای آثار فارسی کاربرد دارند، بلکه روابط تعیین شده برای پیشینه‌های تهیه شده فارسی به‌کار می‌آیند.

داده‌های حاصل از بررسیها نشان داد درصد بالایی از انواع روابط کتابشناختی در خانواده‌های کتابشناختی وجود دارد. پژوهشگران در هنگام بررسی پیشینه‌های کتابشناختی دریافتند که هر یک از پیشینه‌ها حداقل دارای یک رابطه کتابشناختی هستند که با نتایج «تیلت» (۱۹۸۷ در ولوچی، ۱۹۹۷) و «پیتک» (۲۰۰۷) مبنی بر گستره روابط

کتابشناختی در جهان کتابشناختی، همخوانی دارد. در میان پیشینه‌های مورد بررسی، رابطه توصیفی از طبقه‌بندی تیلت، بالاترین فراوانی را داشت. این یافته با پژوهش «زارع‌زاده» (۱۳۸۱) مغایر است. دلیل این مغایرت، تفاوت در جامعه‌های مورد بررسی است. «زارع‌زاده» تمام پیشینه‌های کتابشناختی را در یک دوره زمانی خاص بررسی کرده است، در حالی که پژوهش حاضر به بررسی پیشینه‌های دو خانواده کتابشناختی پرداخته است. وجود فراوانی بالا برای رابطه‌هایی همچون توصیفی و اشتقاقی در خانواده‌های کتابشناختی منطقی است، زیرا این رابطه‌ها نشان‌دهنده رابطه اثر با اثر مادر هستند. پژوهش «ارسطوپور و فتاحی» (۲۰۰۹) بیان می‌کند که رابطه‌های اشتقاقی و توصیفی در میان موجودیتهای متفاوت از یک خانواده کتابشناختی وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد رابطه‌های توصیفی و اشتقاقی بالاترین فراوانی را در میان خانواده‌های کتابشناختی دارند. علاوه بر این، رابطه اثر با اثر، متناظر با رابطه توصیفی و برخی از زیرمجموعه‌های رابطه اشتقاقی، و به همین علت دارای فراوانی بالایی است. همچنین، فراوانی حاصل برای رابطه اثر با اثر، با پژوهش «محمدی» (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. باید توجه داشت، پژوهش «محمدی» بر روی منابع پزشکی و با جامعه پژوهش حاضر، متفاوت بوده است. همچنین، انتظار وجود رابطه اثر با اثر (با فراوانی بالا) در میان منابع پزشکی غیرمنطقی است، زیرا این رابطه شامل مواردی همچون گزیده، چکیده، کشف‌اللغات، توصیف و ... است که نمی‌توان وجود درصد بالایی از آنها را در میان منابع پزشکی انتظار داشت. به نظر می‌رسد وجود رابطه‌های گروه‌های دوم و سوم اف.آر.بی.آر. در میان منابع پزشکی بیشتر باشد.

در نتایج به‌دست آمده مشاهده می‌شود رابطه‌های کل - جزء و همراهی (که معادل رابطه‌های کل - جزء در سطح اثر، کل - جزء در سطح برداشت، کل - جزء در سطح قالب، و کل - جزء در سطح مدرک هستند) در مرتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. فراوانی روابطی همچون کل - جزء و همراهی، به مدارک مورد بررسی وابسته است و در بیشتر موارد ربطی به خانواده کتابشناختی ندارد. این دو رابطه بیشتر در میان اثر همراه با مدرک (مثل واژه‌نامه) و اجزای یک منبع چندبخشی، (مانند مقاله‌های یک مجله) برقرار

است.

در تحلیلهای انجام شده، به نظر رسید در عبارتهای به‌کار رفته در پیشینه‌های کتابشناختی، توجهی به انواع روابط اشتقاقی (طبقه‌بندی اسمیراگلیا) نشده است. برای مثال، در یک پیشینه کتابشناختی که دارای رابطه اشتقاقی بود، رابطه‌های اقتباس و استخراج به طور مشخص نشان داده نشده، زیرا از عبارتهایی استفاده شده بود که هر دو رابطه را نشان می‌داد. البته، امکان داشت یک اثر دارای هر دو رابطه باشد، اما این قضیه زمانی نمود می‌یافت که تفاوت در بخشهای مشخص دیده می‌شد. برای مثال، در برخی پیشینه‌ها شناسه‌های افزوده نشان دهنده رابطه استخراج بوده، حال آن‌که شناسه‌های موضوع در همان پیشینه، نشان‌دهنده رابطه اقتباس بوده است. شاید بتوان دلیل این تفاوت را در تعریف بخشهای فرعی در شناسه‌های موضوعی و غیرموضوعی فارسی دانست. به عبارت دیگر، در تدوین شناسه‌های موضوعی و غیرموضوعی، به انواع روابط در رابطه اشتقاقی توجه نشده و به طور عام به آن پرداخته شده است.

نتایج حاصل از پرسش سوم نشان داد ۴۲/۸۵٪ از فیله‌های رابطه‌ای در نمایش روابط کتابشناختی موجود در پیشینه‌های کتابشناختی کاربرد دارند. علاوه بر این، همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، میزان کاربرد این فیله‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. باید توجه داشت، لزوم نیاز به برخی از فیله‌های رابطه‌ای بلوک 4- در پیشینه‌های کتابشناختی موجود غیرمنطقی است. فیله‌هایی همچون 411 که برقرارکننده رابطه میان یک فروست با فروستهای فرعی آن است، نمی‌تواند در پیشینه‌های کنونی وجود داشته باشد، زیرا در فهرست‌نویسی کنونی، هیچ پیشینه‌ای بر مبنای فروست اصلی تولید نمی‌شود که بتوان انتظار داشت با فروست فرعی خود رابطه برقرار کند. این قضیه در مورد فیله‌هایی همچون 413، 422، 453، و 456 نیز صادق است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان دریافت که برخی از فیله‌های رابطه‌ای قابلیت و توانایی بیشتری در نمایش برخی روابط کتابشناختی دارند. به عنوان نمونه، فیله رابطه‌ای 470 برای نمایش رابطه توصیفی به‌کار می‌رود و معادل هیچ‌یک از رابطه‌های دیگر نیست، در حالی که فیله 488 معادل روابطی همچون اقتباس، شرح و بسط و

ویژگیهای مشترک است.

آنچه از یافته‌های پژوهش به دست می‌آید، کاربرد فیلدهای رابطه‌ای خاص برای نمایش انواع روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی فارسی است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، می‌توان پیشنهادهایی را برای نمایش روابط کتابشناختی موجود در میان خانواده‌های کتابشناختی ارائه داد که به شرح زیر است:

- توجه به فیلدهای رابطه‌ای پرکاربرد در خانواده‌های کتابشناختی برای نمایش روابط کتابشناختی. وجود آثار دینی و ادبی متعدد در میان آثار فارسی، خانواده‌های کتابشناختی وسیعی را در میان پیشینه‌های کتابشناختی فارسی به وجود آورده است. بنابراین، برای نمایش انواع روابط کتابشناختی، توجه به فیلدهای رابطه‌ای پرکاربرد برای خانواده‌های کتابشناختی ضروری است؛ فیلهایی که برای نمایش رابطه‌هایی همچون اقتباس، برگزیده، توصیف، و مواردی از این قبیل به کار می‌آیند.
- ایجاد نظامی سلسله‌مراتبی با استفاده از فیلدهای دوسویه در بلوک 4- در نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای مبتنی بر یونی‌مارک توسط فهرست‌نویسان. فرمت یونی‌مارک مدعی نگرشی دوسویه (از بالا به پایین و از پایین به بالا) است. وجود فیلدهای دو سویه‌ای همچون 410 و 411 که مربوط به فروست اصلی و فروست فرعی است، دلیلی بر صحت این ادعاست. از سوی دیگر، وابستگی آثار موجود در خانواده‌های کتابشناختی، نیازمند نگرش دو سویه به روابط موجود در میان آنهاست. توجه به دوسویه بودن برخی فیلدها در بلوک 4-، و همچنین توانایی نمایش دوسویه رابطه‌ها از طریق این فیلدها، شناسایی فیلدهای دوسویه و کاربرد آنها، ابزاری برای حرکت به سوی نظام‌های سلسله‌مراتبی است.
- لزوم بازنگری در اصطلاحات ارائه شده در سرعنوانهای موضوعی فارسی و عنوانهای قراردادی، و تقسیمهای فرعی آنها با توجهی ویژه به انواع روابط کتابشناختی. بی‌توجهی به ماهیت انواع روابط کتابشناختی در تعیین برخی تقسیمهای فرعی (مانند اقتباس، شرح، برگزیده و ...) سبب ابهام در تشخیص نوع رابطه در پیشینه‌های

کتابشناختی می‌شود. بنابراین، در تعریف این اصطلاحات، باید به ماهیت انواع روابط کتابشناختی و یکدستی در سرعنوانهای موضوعی فارسی و عنوان قراردادی توجه داشت. این کار باعث می‌شود آثار مرتبط نقاط دسترسی یکسانی داشته باشند.

- توجه به عنوان قراردادی و یکدستی در داده‌های موجود در فیلد 500. فیلد 500 که مربوط به عنوان قراردادی است، به عنوان یکی از فیلدهای رابطه‌ای اصلی، نقش مهمی در نمایش روابط کتابشناختی ایفا می‌کند. همچنین، بررسیهای انجام شده نشان داد فیلد 500 دارای فراوانی بالایی برای نمایش انواع روابط کتابشناختی است. از سوی دیگر، کاربرد عنوان قراردادی، مستلزم وجود یکدستی در آن و تعریف بخشهای فرعی یکسان با توجه به انواع روابط کتابشناختی برای انواع آثار است.
- تغییر رویکردهای فهرست‌نویسی با توجه به تغییرات اخیر در زمینه فهرستهای رایانه‌ای. توجه به نمایش روابط کتابشناختی در الگوها و استانداردهای جدید، تغییر رویکردهای فهرست‌نویسی به سوی نمایش انواع روابط کتابشناختی و برقراری ارتباط میان آثار مختلف، بویژه آثاری که دارای خانواده‌های کتابشناختی وسیعی هستند را ایجاب می‌کند.

منابع

- جانگ، بین (۱۳۹۰). *اجرای اف آر بی آر در کتابخانه‌ها: مباحث کلیدی و خط سیرهای آتی*. ترجمه عباس گیلوری. تهران: کتابدار.
- زارع زاده، فرانک (۱۳۸۱). *بررسی روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی کتابشناسی ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه کتاب، ۱۳(۴)، ۲۰-۲۹.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۵). *روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی*. فصلنامه کتاب، ۷(۲)، ۳۲-۴۴.
- محمدی، محمود (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل روابط کتابشناختی کتاب‌های منتشره فارسی حوزه علوم پزشکی در فاصله سالهای ۱۳۸۵-۱۳۸۹ بر اساس الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی، تهران.
- Arastoopoor, S.; Fattahi, R. (2009). Identification and Categorization of related works in the Persian Bibliographic Universe: a FRBR Approach. Paper presented at the World Library and Information Congress, Milan.

- IFLA Study Group on the Functional Requirements for Bibliographic Records (2009). Functional Requirements for Bibliographic Records. Retrieved on April 8, 2010, from http://www.ifla.org/files/cataloguing/frbr/frbr_2008.pdf.
- International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA) (2008). UNIMARC Manual. München: K.G.Saur.
- Petek, M. (2007). Derivative bibliographic relationships in the Slovenian online catalogue COBIB. *Journal of Documentation*, 63(3), 398-423.
- Riva, P. (2004). Mapping MARC21 Linking Entry Fields to FRBR and Tillet's Taxonomy of Bibliographic Relationships. *Library Resources & Technical Services*, 48(2), 130-140.
- Tillet, B.B. (1991A). A Summary of the Treatment of Bibliographic Relationships in Cataloging Rules. *Library Resources and Technical Services*, 35(4), 393-405.
- Vellucci, S.L. (1997, October). Bibliographic Relationships. in International Conference on the Principles and Future Development of AACR, University of Toronto, Faculty of Information Studies, Toronto. Retrieved on April 20, 2010, from <http://www.rda-jsc.org/intlconf1.html>.